

مقدمه :

به طور کلی خانواده کانون گرم و پراز محبت و مرکز انضباط و احترام متقابل برای کودکان است. روان‌شناسان برای شکل‌گیری پایه‌های شخصیت در دوران کودکی در محیط خانواده اهمیت زیادی قایلند و تلاش دارند تا به والدین آموزش دهند که کودکان باید در محیطی امن زندگی کرده و از مهر و محبت کافی، نه بیش از اندازه برخوردار باشند. حال آیا برامتی همه کودکان از این موهبت‌ها برخوردارند؟

گزارش‌ها و اطلاعات رایج از رسانه‌ها و جراید از افزایش جرم و جنایت، طلاق و خشونت و پرخاشگری، تجاوز و آدم‌کشی، فرار کودکان و نوجوانان در جامعه خبر می‌دهند! و اکثریت افراد جامعه از شیوع این معضلات بشدت ابراز نگرانی می‌کنند. نسل جوان در دنیای حاضر بیشترین معضلات و گرفتاری‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، نسلی که می‌تواند آینده‌ساز پیشرفت علمی و فناوری در کشور باشد، در اکثر مواقع از آسیب‌های موجود در امان نبوده و دچار مشکلات عدیده‌ای می‌گردد. اعتیاد، فرار، دزدی، طلاق، ناسازگاری‌های اجتماعی، اختلال‌های روانی، از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها از جمله این مشکلاتند که نسل جوان را گریبانگیر خود می‌سازد.

یکی از مهمترین مشکلات موجود، فرار کودکان و نوجوانان است. مقاله حاضر که ترجمه و تالیفی از علل وقوع این مشکل است، شاید بتواند نظر خوانندگان را به اهمیت این موضوع جلب کرده و راهکارهایی را برای رفع این معضل ارائه دهد.

علل فرار کودکان و نوجوانان عادی و استثنایی از خانه و مدرسه

ترجمه و تالیف: حمیده مقدسی
کارشناس ارشد کودکان استثنایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از مهمترین موارد فرار کودکان "مدرسه گریزی" است:

اصطلاح پرسه زنی به اجتناب عمدی از حضور در مدارس گفته می شود. معمولاً دو الگو شایع است، بچه خانه را ترک می کند اما به مدرسه نمی رود، بلکه تمام روز را در شهر به تنهایی یا به همراه سایر مدرسه گریزها به پرسه زنی سپری می سازد. در نوع دوم کودک، بخشی از روز را در مدرسه گذرانده و در فرصتی مناسب، تنها یا با بچه های دیگر از مدرسه در می رود، این رفتار معمولاً در سال های میانه کودکی شروع شده و در نوجوانی به صورت مساله ای عمده در می آید. انگیزه رفتار اضطراب یا فوبی کودک نسبت به وجهی از مدرسه و تحصیل نیست بلکه او از برنامه درسی و انضباط مدرسه متنفر و بیزار است. مدرسه گریزها غالباً مشکلات یادگیری حتمی و پیشرفت تحصیلی اندک دارند.

مساله غالباً مدتی طولانی کشف نشده باقی می ماند و سبب می شود که والدین و مدرسه متقابلاً همدیگر را متهم سازند و پدر و مادر مدرسه را به دلیل ناتوانی در شناخت به موقع مساله سرزنش می نمایند. در بسیاری از موارد، پدر و مادر بفهمی نفهمی چشم خود را نسبت به مساله می بندند و معتقدند که مدرسه ارزشی برای کودک قابل نیست و مسوول بی علاقتی و فقدان شوق و ذوق او است. مدرسه گریزها معمولاً علایم دیگر "اختلال سلوک" را نشان می دهند و در جریان گریز از مدرسه دست به کارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه دیگر می زنند. فوگلمن^۱ و همکاران (۱۹۸۰) گزارش کرده اند که در سال آخر مدرسه در هر زمان ۲۰ درصد نوجوانان بدون دلیلی آشکار از مدرسه غیبت می کنند. حل مساله آکنده از مشکلات است، چون مستلزم همکاری کودک، پدر و مادر، مدرسه و اداره آموزش و پرورش است. برگ^۲ (۱۹۸۵) طرفدار استفاده از "سیستم عدالت نوجوانی" برای مجبور ساختن کودک به حضور در مدرسه از طریق "اقدامات فراخوانی" است. این روش مستلزم حضور مرتب کودک و والدین در دادگاه به منظور کنترل حضور کودک در مدرسه می باشد.

مشکلات و معضلاتی که کودکان را به سمت فرار از منزل سوق می دهد:

از جمله مشکلات جوانان در جامعه آمریکا "فرار از منزل" است که در حدود یک میلیون نفر در سال یا بیشتر از این تعداد با این مشکل دست و پنجه نرم می کنند. اگر چه سن معمولی که افراد بدان دست می زنند حدود ۱۵ سال است، اما این معضل در گروههای سنی ۱۱ الی ۱۴ سال نیز رو به فزونی است. خیلی از این معضلات در حومه شهرها صورت

می گیرد و نیمی از این افراد دختران هستند که بدان دچارند. موردی که در زیر به آن اشاره می شود معضل مربوطه را به خوبی بیان می کند:

"جین" دختری جذاب و ۱۲ ساله است که از سن خود بزرگتر به نظر می آید و همواره بنا بر گفته والدینش در زمان فرار دختری است که مورد توجه افراد قوی قرار می گیرد. قبلاً دو بار فرار از منزل داشته که گزارش رسمی از آن به عمل نیامده است.

در مورد اول او با یک دوست دختر خود دست به فرار زده و دو روز بعد به خانه برمی گردد. در فرار دوم او با ایستادن کنار جاده و تقاضای رفتن رایگان به جایی از راننده تاکسی تقاضای می کند که با یک پسر به شهر دیگری برود و سپس بعد از یک هفته برمی گردد. تحقیقات نشان می دهد که این دختر در دوران مدرسه مشکلاتی داشته است و در موقعیت خانوادگی همواره در محیطی پر از پرخاشگری و اختلاف و تشتت زندگی می کرده است. در توضیح اینکه چرا این دختر دست به فرار از منزل می زند، او اظهار می کند که حقیقتاً هیچ کسی از وی مراقبت نکرده و نتوانسته است انتقادهای و عیب جویی ها را تحمل کند.

چرا کودکان و نوجوانان دست به فرار می زنند؟

در سال ۱۹۷۳ نتایج بررسی در کشور انگلیس نشان می دهد که دلایل فرار از خانه به علت شکست در ۳ مقطع و جایگاه قابل بررسی می باشد.

الف) داشتن یک خانواده و فامیل از هم گسسته، در این خانواده دختر فردی است که برای اجتناب از پیشروی های جنسی پدر یا ناپدری دست به فرار می زند.

ب) فرار فرد ناشی از یک تلاش مفرط برای دست یابی به موقعیت خانوادگی بهتر

پ) دارا بودن یک مشکل و معضل که بیشتر بصورت یک راز جلوگیری می نماید؛ مثل حامله شدن

هومر^۳ (۱۹۷۴) معتقد است که بین فرار از یک مساله یا موقعیت یعنی چیزی که معمولاً درگیری والدین را به همراه دارد و خود مساله فرار کردن تفاوت فاحشی موجود است. به طوری که اکثر آنان قادر نیستند که موقعیت مشکل زای خود را حل کنند و فرار از منزل آن چیزی است که فکر می کنند، هدف اساسی را می توانند خارج از خانه خود پیدا نمایند.

مساله فرار از منزل به طور مشخص کسب لذت هایی از قبیل روابط جنسی، الکل و داروهارا بدنبال دارد و فرار از مدرسه با یک گروه همگن همان داشتن علایق مشترک با آنها می باشد.

فرار از یک موقعیت معمولاً "فرار از خانه" به تنهایی نیز هست و "فرار به جایی" معمولاً از جمله مواردی است که با بیشترین

معضلات افراد همسویی دارد. در یک سری از کودکان، فرار از یک موقعیت افزایش می یابد، به طوری که آنان سعی می کنند که از موقعیت های غیر قابل تحمل فرار نمایند. مطالعات متعدد اخیر خاطر نشان می کند کودکانی که فرار می کنند بیشتر امکان دارد تحت سوء استفاده های جسمی و جنسی قرار گیرند (فامالارو^{۱۹۹۰}، فیتال و دیگران^۲، پاورز^۳، اسکن رود^۴، جاکلین^{۱۹۹۲}).

در این نمونه ها مسایل اقتصادی از جمله دلایل دیگری است که باعث ترک منزل توسط کودک می شود که اکثرا والدین تمایلی به برگشت آنان ندارند.

اکثر آنها از اینکه به سوی والدین برگردند رغبتی از خود نشان نداده و هیچ احساسی نمی کنند، اما در عوض مایلند که به خانه های مخصوص کودکان ایتام رفته و در آنجا تحت درمان و احترام متقابل سایرین قرار گیرند.

در مورد اکثریت افرادی که فرار می کنند گزارش رسمی به ثبت نرسیده است. از این افراد ۹۰ درصد یا بیشتر توسط مجریان قانون در جایی سکنی گزیده می شوند و در صورت امکان به پایگاه خانواده مراجعت می کنند.

در سال ۱۹۷۴ یک خانه موقت سرپایی برای افراد فراری به صورت یک سرپناه موقتی تأسیس شد که فراریان می توانستند برای والدین خود در صورت نیاز پیام بفرستند و آنها را از حال خود باخبر نمایند. در مان فراریان نیز مشابه افرادی است که دارای مشکلات عاطفی مشخص در دوران کودکی و بلوغ می باشند. خانواده درمانی یکی از مهمترین قسمت های درمان است، در بعضی از این موارد و نمونه ها می توان والدین منحرف، ناشنا، یا فاقد همکاری را کاملاً ملاحظه کرد.

در بعضی مواقع وجود افراد مقتدر در خانواده باعث جایگیری کودک در تیم خانه ها می شود. و منظور همواره این نیست که والدین عامل اولیه فرار کودکند و این جمله که چه اشتباهی از آنها سرزده نگرشی است که به احساس گناه و حقارت در آنها منجر می شود.

تعدادی از این سرپناه های موقتی در آلاسکا و هاوایی به شماره های ۱-۸۰۰-۶۲۱-۴۰۰۰ هنوز به بهره برداری نرسیده است.

بحث شکاف نسل ها یکی دیگر از مهمترین علل اصلی فرار کودکان و نوجوانان می باشد. با توجه به این بحث می توانیم خاطر نشان کنیم که کم کم در بین نسل ها شکاف عمیقی از نظر عاطفی، اجتماعی، اقتصادی ایجاد می شود و نسل تازه برای جبران آن به شیوه های مختلف اعم از "فرار" واکنش نشان می دهد، آنان با مشارکت در میان همسالان همگن خود این

شکاف عمیق را جبران می نمایند (کندال^{۱۹۹۴}).

دختران آسیب پذیری بیشتری را نسبت به پسران نشان داده و مشکلات و پیچیدگی های فرهنگی نیز بر معضلات مربوطه می افزاید. روان شناسان و متخصصان و مشاوران همواره بر این موضوع اعتقاد دارند که والدین باید سد عدم درک فرزندان خود را بشکنند و با آنها روابط دوستانه و گرم برقرار نمایند و از هرگونه تنش و کشمکش بر سر مسایل مختلف با یکدیگر بپرهیزند. نوجوانان اکثر در سنین نوجوانی به سمت کارهای ممنوعه از نظر اجتماع کشیده شده و دوست داشته و در دست دارند. آن را تجربه کنند، والدین در این میان باید با احتیاط و رفتار محتاطانه و برقراری روابط گرم، نوع نگرش فرزندان را نسبت به کارهای ممنوعه تغییر دهند. لازم به ذکر است که هرگونه فشار، ارباب، ترس و تهدید، نسبت به نوجوانان واکنش های شدید آنان را برانگیخته و نتیجه مثبتی عاید همگان نخواهد شد (باریوس^{۱۹۸۸}).

نوع روابط والدین با یکدیگر، عدم تأمین خواسته ها و نیازهای معقول فرزندان، عدم آرامش خانوادگی، فقر، محرومیت اقتصادی، تنگدستی، ناکامی در برآوردن نیازها، وجود نامادری، ناپدری، حاملگی نامشروع، طلاق و اعتیاد در خانواده می تواند دلایل مختلف فرار کودکان و نوجوانان باشد (میلر^{۱۹۸۲}، ونزک^{۱۵}).

در ایران فرار کودکان و نوجوانان عادی و استثنایی به ویژه "نوجوانان عادی" در دهه گذشته از مهمترین معضلات و مشکلات نوجوانان به شمار می آید. مطالعه در تاریخچه زندگی دختران فراری نشان می دهد که با نزدیک شدن آنان به دوره نوجوانی، و فور احساس استقلال طلبی در آنان، گرایش به جدایی از والدینی که دارای روابط عاطفی سرد با فرزندان شان می باشند و مسایل اقتصادی، باعث فرار آنان شده و متعاقباً مشکلات عایدی ای رابه وجود می آورد. آنان با احساس موهوم از دستیابی به یک زندگی راحت و آرام خارج از منزل، به فرار تمایل نشان داده و احساس می کنند می توانند بسیاری از ناکامی های خود را در بیرون از محیط خانوادگی جبران نمایند اما نمی دانند که در گرداب دهشتناک معضلات اجتماع غوطه ور خواهند شد و مورد سوء استفاده جسمی و جنسی افراد سودجو قرار خواهند گرفت.

در بین کودکان و نوجوانان استثنایی نیز دلایل فرار می تواند تا حدودی مشابه با کودکان و نوجوانان عادی باشد، به طور مثال عدم کنترل دقیق و نظارت دلسوزانه والدین، از هم پاشیدگی خانواده ها، طلاق، مشکلات اقتصادی و اعتیاد و کم توانی ذهنی پدر یا مادر، و پایین بودن بهره هوشی کودک در فرار آنان نقش مهمی را ایفا می کند.

برای از بین بردن فرار کودکان و نوجوانان عادی و استثنایی چگونه بیندیشیم :
قانون: ۲۰

با پیشرفت علوم و فناوری و افزایش جمعیت متخصصان و روان شناسان از قوانین موجود انتظار دارند که به یاری افراد جامعه شتافته، پایگاههای امنی برای افراد فراری در خارج از محیط خانواده برپا سازند تا در موقعیت های فرار نوجوانان و کودکان در این پایگاههای امن مدت محدودی را سپری کرده و بر مشکلات و مسایل اصلی خانواده فایق آیند یا به دامن خانواده باز گردند (رایان اتل ۱۹۸۲، پترسون ۸ و دیگران).

قوانین اجرایی و انتظامی همچنین باید به حمایت از خانواده ها پرداخته و در صورت درگیری شدید بین اعضای خانواده، در محیط حاضر شده تا کودکان و نوجوانان را از آسیب های جدی دور نمایند. در این میان علاوه بر حاضر شدن تیم های مددکاری برای رفع اختلافات جدی اعضای خانواده، در صورت اعتیاد و ناسازگاری شدید پدر، "مادر و فرزند" به صورت جدی باید از محیط پرتنش دور شده تا تیم مددکاری که اعم از پزشک و روانپزشک و مددکارند به درمان موقت و دائمی پدر بپردازند و برعکس اگر مادر دچار مشکلات روحی و عاطفی شدید است، کمک های درمانی این "تیم عملیاتی" به مادر حمایت های لازم را ارائه نماید تا به کودکان و نوجوانان آسیب نرسد (پویک آنتخ اتل ران و دیگران ۱۹۹۳).

حل کردن مشکلات ریشه ای و اصلی والدین به ویژه حل مشکلات اقتصادی و حمایت مالی خانواده های بی بضاعت و کم توان ذهنی و قرارداد آنها در محیط های یادگیری مشاوره ای که والدین سبک رفتاری درست با فرزندانشان را بیاموزند و با آنها روابط دوستانه و گرم برقرار کنند، از تهدید و ارا عاب آنها دست بردارند، می تواند در بهبود نقش نظام خانوادگی موثر واقع شود (آمبرزونی ۲ و همکاران ۱۹۹۳).

یکی دیگر از مسایل مهم در راستای حمایت از کودکان و نوجوانان فراری "عادی و استثنایی" تغییر نگرش افراد اجتماع از طریق رسانه های گروهی می باشد. رسانه ها می توانند برنامه های سازنده و درست از الگوهای تربیتی مثبت برای خانواده ها تولید کرده و به معرفی شبانه روزی پایگاهها و خانه های امن با ارائه شماره تلفن بپردازند (به صورت سه رقمی و ساده) که در صورت فرار، افراد فراری به دام گروه های مخرب اجتماعی نیفتند بلکه به خانه های امن مراجعه نمایند (کاتلر - آمبرزونی - رایان اتل - ونزک ۱۹۹۲).

نقش مشاوران و مددکاران در ارائه برنامه های سازنده تربیتی



م. طاهری

مسأله فرار از منزل به طور مشخص کسب لذت هایی از قبیل روابط جنسی، الکل و داروهارا بدنبال دارد و فرار از مدرسه با یک گروه همگن همان داشتن علایق مشترک با آنها می باشد

درمان فراریان نیز مشابه افرادی است که دارای مشکلات عاطفی مشخص در دوران کودکی و بلوغ می باشند. خانواده درمانی یکی از مهمترین قسمت های درمان است

در خانه ها و پایگاههای امن افراد فراری بسیار موثر است. در این خانه ها مشاوران باید سعی نمایند که نگرش کودک و نوجوان را از فرار و ماندن در خانه های امن به سمت رفتن به سوی خانواده هایشان تقویت نمایند.

تغییر نظام تربیتی و تحصیلی مدارس می تواند نگرش فرار را در بین نوجوانان عوض نماید... اگر مسوولان و مربیان مدارس با سعی و همت و دلسوزی زیاد از نظام خشک درسی و انضباط شدید دوری کرده و با شاگردان روابط خوب و سازنده برقرار کنند و همچنین به تهیه برنامه های تفریحی نیز بپردازند (هر چند وقت یکبار به همراه شاگردان به نقاط تفریحی بروند) شاید بتوان نگرش فراریان را از بین دانش آموزانی که امکان تفریح در خانواده برایشان میسر نیست تغییر داد. به طور مثال "جولی" از مدرسه ای در "اکلاهما" پس از اینکه، مدرسه برنامه هفتگی "استخر رفتن" را برای دانش آموزان تهیه دید کمتر به فرار از خانه و مدرسه دست می زند و علاقه مند است که به مدرسه بیاید و به همراه شاگردان هر پنجشنبه به استخر برود. (گیلتمن "۱۹۸۸") بلورمنتال^۳ (۱۹۹۰)، رااو و دیگران^۴ استفاده از برنامه های تفریحی و هنری در زمینه بازی با شن و گل و ساختن کار دستی و کارهای هنری و رفتن به سفر خیالی می تواند نکات مهم و موثر هنر درمانی و تحیل درمانی برای جلوگیری از فرار کودکان و نوجوانان باشند که مشاوران مدارس باید از آنها استفاده کنند، که در زیر به آن اشاره می نمایم.

استفاده از هنر درمانی با بازی شن برای کودکان و نوجوانان فراری:

هنر درمانی از طریق بازی با شن به کودک فراری این امکان را می دهد تا از نمادها، در فضایی مشخص استفاده کند و قصه ناکامی خود را بگوید، کودک مادامی که قصه خود را می گوید این امکان را می یابد تا در شن و تخیل، حوادث و موقعیت های گذشته و حال را بازسازی کند، در عین حال کودک می تواند در پیش بینی هایی که در باره آینده دارد کنکاش کرده و خیال پردازی های خود را در ظرف شن بیان کند. در نتیجه کودک بر انجام دادن هر یک از موارد زیر یا تمام آنها قادر می شود:

- کنکاش در حوادث خاص گذشته، حال و آینده
- کنکاش در زمینه ها و مسایل مرتبط با این حوادث
- به مرحله اجرا در آوردن چیزهایی که از نظر کودک قابل قبول نبوده و یا نیست

- کسب درک شناختی از علایم رخ داده در زندگی او و در نتیجه کسب بینش نسبت به این حوادث
- دگرگون ساختن قصه، به شکلی که در ظرف شن خلق

می شود، با فرافکن کردن تخیلات بر آن

- تجربه کردن احساس قدرت در ضمن بیان جسمانی
- تسلط یابی بر مسایل و حوادث گذشته و حال، تخلیه آرزوها
- تفکر در باب آنچه که ممکن است رخ دهد
- یافتن راه حل مسایل از طریق رشد دادن بینش و جلوگیری از فرار به بیرون از منزل

به طور کلی به نظر می رسد اکثر کودکان به دلیل تجربه بساوشی و ماهیچه ای در کار با شن به آسانی در این فعالیت شرکت کنند. معمولاً کار خود را به این صورت شروع می کنیم که از کودک می خواهیم تا برای خلق صحنه یا منظره ای در شن از هر نمادی که مورد علاقه اوست استفاده کند.

- گاهی کودک را به حال خود می گذاریم تا هر منظره ای را که می خواهد بدون راهنمایی خاص بسازد. این دیدگاه غیرمستقیم می تواند موثر باشد، مشاور می تواند سؤالی را در رابطه با ساختن کودک بیان کند. مثل: مایلیم با استفاده از این چیزهایی که در اختیار توست منظره ای را در ظرف شن بسازی. در برخی موارد ممکن است مشاور احساس کند که مسایل فرار کودک مربوط به روابط با دیگران است در این حالت می تواند بگوید که از همه آدم هایی که می شناسی صحنه ای درست کن. - برخی کودکان اضطراب زیادی از خود نشان می دهند، در رابطه با چنین کودکانی می توان از این دستور عمل استفاده کرد: منظره ای از چیزهایی که تو را بسیار می ترسانند بساز.

این گونه دستور عمل ها می توانند برای کودک مفید واقع شوند، زیرا با روشن شدن علت ترس، کودک قادر می شود به طور نمادین با آنها روبه رو شود. برای مثال، ممکن است کودک آن را دفن کند یا خارج از ظرف شن قرار دهد.

برخی کودکان فراری در خردسالی از نظر هیجانی دچار محرومیت بوده، طرد یا ترک شده اند. نکته مهم در رابطه با این کودکان آن است که ادراک و احساساتی را که آنان از "شیوه پرورش به عمل آمده" درباره خود پیدا کرده اند، مورد بازبینی قرار می گیرد. در این گونه موارد مشاور می تواند بگوید: منظره ای بساز که نمایانگر دوران کودکی تو باشد. گاهی دستور عمل ها با توان ذهنی کودک مناسب سازی شده و حالت کودکانه تری به خود می گیرد. به طور مثال در کار با شن با کودکان استثنایی کم توان حالت سوال ها تغییر می کند و متناسب با درک آنان می شود و بیشتر بر روی خواسته های آنان متمرکز می شود، به طور مثال مشاور می تواند بگوید: بیا با هم منظره ای بسازیم که دلت می خواست به بیرون از خانه بروی.

ممکن است کودک حین ساختن یک منظره، بتواند رنج ناشی



عکس: فاطمه وزیری

**نوع روابط والدین با یکدیگر،
عدم تامین خواسته‌ها و نیازهای معقول
فرزندان، عدم آرامش خانوادگی، فقر،
محرومیت اقتصادی، تنگدستی،
ناکامی در برآوردن نیازها، وجود نامادری،
ناپدري، حاملگی نامشروع، طلاق و اعتیاد در
خانواده می‌تواند دلایل مختلف فرار
کودکان و نوجوانان باشد**

**نقش مشاوران و مددکاران در ارایه
برنامه‌های سازنده تربیتی در خانه‌ها
و پایگاههای امن افراد فراری بسیار
موثر است**

مجله استنباطی
شماره ۴۴ صفحه ۷

از فقدان نزدیکی و عدم مراقبت بایسته را تشخیص دهد و تجربه کند. ممکن است با کمک مشاور با به تملک در آوردن و تجربه کردن این رنج، قادر به کشف راههایی که مورد مراقبت قرار گرفته، شود. گاهی اوقات، در مواردی که مادر حضور نداشته و یا کودک مورد بی توجهی بوده است، ممکن است کودک متوجه شود که فردی دیگر از او مراقبت کرده است، و با این فکر بتواند با رنج ناشی از رفتار مادر روبه‌رو شود و احساسات مثبت پیدا کند.

کار با شن از آن رو قدرتمند است که در قالب منظره‌ای که در ظرف شن ساخته می‌شود همراه با باز خورد مشاهده‌گر (مشاور) ساختاری بصری فراهم می‌شود. از این رو کودک مستقیماً با مشاهده کردن صحنه‌ای که در ظرف شن خلق کرده است، و در عین حال از عبارات‌هایی که مشاور باز خورد می‌دهد، از دنیای خود شناخت پیدا کند. (این مسئله که کودکان فراری از دنیای خود شناخت عمیقی ندارند به اثبات رسیده است).

همه این موارد می‌تواند برای کودکان و نوجوانانی که دست به فرار می‌زنند مثبت قلمداد شود و به آنها در تسکین آلام و رنج‌هایشان کمک کند. در مورد استفاده از این موارد در رابطه با کم توانان ذهنی ما با توجه به پایین بودن بهره هوشی از آنها توقع نداریم که به درک عمیق دست یابند بلکه هدف اجمالی تخلیه هیجانهای آنهاست و از این شیوه برای جلوگیری از ناکامی‌های آنان استفاده می‌کنیم.

فواید کار با شن :

کودکان از پنج سال به بالا از کار با ظرف شن لذت می‌برند، حتی نوجوانان و بزرگسالان نیز آن را مفید می‌یابند. کودکان خردسال‌تر نیز از بازی با شن لذت می‌برند اما از نظر رشدی قادر به شرکت و کاربرد نمادین و اسباب نیستند. کار با شن، مانند کار با حیوانات، اسباب‌بازی، برای مشاوره فردی مناسب است و فعالیتی توأم با آزادی عمل و فکر می‌باشد، زیرا به کودک اجازه می‌دهد تا در محدوده تخیلات خود احتمالات مختلف را بازیابی کند.

ابعاد و محدوده کار با شن کودک را تشویق به متمرکز شدن بر فرایندهای درونی می‌کند و به کمک تشویق‌های مشاور، کودک را به شجاع بودن و تعامل و امی دارد این مساله می‌تواند در کودکان و نوجوانانی که دست به فرار می‌زنند راهکاری برای جلوگیری از فرار و سرگرمی آنان باشد.

هنر درمانی از طریق بازی با گل :

برای کار با کودکان فراری، گل ماده‌ای عالی است. زیرا کیفیت فیزیکی آن علاوه بر انگیزاننده بودن، از جنبه درمانی موثر نیز برخوردار است. بیشتر کودکان از لمس کردن گل و ساخت چیزی با آن لذت می‌برند. ساختن اشکال مختلف با گل و تغییر

دادن شکل و ابعاد آن آسان است. بسیاری از کودکان به راحتی در این کار مشارکت می کنند و با مالش دادن، فشار دادن، مشت زدن، له کردن و شکل دادن به گل "احساسات پرخاشگرانه" خود را بروز می دهند و آن را تعدیل می کنند، آنها از لمس کردن گل تجربه بساوی و عضلانی مطلوب و ارضا کننده ای کسب می کنند. از برخی جهات گل بسط معنایی می یابد و انگار بخشی از وجود این کودکان است. گل کودک را قادر به خلاق بودن می کند و حین این فعالیت خلاقانه، کودک دستخوش هیجانانی می شود. یک کودک ممکن است گل را به آرامی مالش دهد یا پرخاشگرانه آن را مشت بزند یا با ناامیدی آن را به کناری بگذارد. در نتیجه احتمالا احساساتی که کودک دارد، تجلی بیرونی می یابد و تاثیر پالایشی خواهد داشت. از آنجا که گل حس های بساوشی و عضلانی را تحریک می کند، به کودکانی که فاقد تجارب حسی و هیجانی بوده و یا تجاربشان محدود است، بازی با گل اجازه تماس گرفتن مجدد با این حس ها را می دهد. هنگامی که این کودکان در کار با گل مشارکت می کنند، افزایش حساسیت در حس عضلانی آنان سبب می شود بتوانند به طور موثری هیجانان خود را بروز دهند.

در استفاده از کار با گل، کودک قادر به انجام دادن یکی از تمام موارد زیر می شود:

- کمک به حصول شناخت و درک دیگران
- ارتقای احساس تعلق به گروه در کودک.
- کمک به درک و کشف پیامدهای رفتارهایی که در یک گروه

دارد

- به کودک کمک می کند تا با استفاده از گل بتواند قصه اش را بیان کند

- کودک را قادر می سازد تا احساسات درونی خود را به نحوی که قابل شناختن و به تملک در آوردن باشد بر گل فراقتنی کند

- کودک را در شناختن و در نظر گرفتن مسائل زیربنایی یاری می دهد

- کودک را در کنکاش روابط و ارتقای بینش درباره آنها یاری می دهد

- کودک را به تجربه کردن موفقیت و خشنودی حاصل از

کامل شدن یک تکلیف خلاق قادر می سازد

مشاور می تواند در هنگام ساختن و کار با گل از

دستور عمل های زیر به کودک استفاده کند:

- با گل مجسمه ای بساز که شبیه زمانی باشد که تو یک بچه بودی

- با گل مجسمه ای بساز که شبیه موقعیت زمانی باشد که

دلالت می خواهد به جایی بروی

- با گل مجسمه ای بساز که هر چه را که دوست داری درست کنی

همه این موارد می تواند به احساس امنیت کودکان و

نوجوانانی که دست به فرار می زنند کمک کرده و به تخلیه هیجانان آنان نیز کمک کند.

هنر درمانی از طریق کولاژ:

کولاژ بعد دیگری برای ابراز خلاقیت کودکان است. علاوه بر این، کولاژ به کودک اجازه می دهد تا با لمس کردن مواد مختلف (مثل پنبه، پارچه پشمی، خاک اره، پرو غیره) بتواند میان حسی که از لمس آنها حاصل می شود و احساسات هیجانی اش ارتباط برقرار کند. برای کمک به برقراری چنین ارتباطی، مشاور می تواند بگوید: اگر تو آن کاغذ سمباده زیر بودی، چه احساسی داشتی؟

برای مواقعی که از کودک خواسته می شود تا تصویری از خود بسازد: کولاژ وسیله مناسبی است. ساختن تصویری از خود با کولاژ به کودک کمک می کند تا از درکی که درباره خود دارد، آگاهی عمیق تری یابد و این فرصت را به او می دهد تا از توصیف سطحی خود دور شود و به خود بیانگری بیشتری دست یابد. این مورد نیز در کودکان و نوجوانانی که دست به فرار می زنند راهکار مهمی برای جلوگیری از فرار و غلبه بر مشکلات آنان در محیط خانواده می باشد.

هنر درمانی از طریق مجسمه سازی:

بسیاری از پیشنهادهایی که در نقاشی و کولاژ داده می شود، برای مجسمه سازی نیز قابل استفاده است. برای مثال مشاور می تواند بگوید: درختی بساز که نمایانگر تو باشد.

مجسمه سازی اغلب برای کودکانی که مهارت کافی برای انجام دادن کاری را ندارند یا کودکانی که تجارب موفقیت آمیز اندکی در زندگی داشته اند مفید است. مشاور می تواند هنگامی که کودک در حال ساختن مجسمه است، واکنش وی را در مورد ناکامی، موفقیت، تصمیم گیری، حل مسئله و کامل کردن تکلیف مشاهده کند. در مورد کودکان و دانش آموزان کم توان ذهنی، مشاور باید به کمک آنها مجسمه های ساده از وسایل ساده بسازد.

سفر خیالی: (تخیل درمانی)

گرچه سفر خیالی روشی بسیار قدرتمند است، اما باید با احتیاط و فقط در مواقعی از آن استفاده شود که برای فرایند مشاوره و کودک مفید باشد. باید این اطمینان وجود داشته باشد که هیچگونه پیامد زیان آوری برای کودک در بر ندارد. بشدت بر این اعتقادیم که فقط مشاوران تعلیم دیده و با تجربه ای که قادر به قضاوت درباره زمان مناسب استفاده از سفر خیالی هستند مجاز به استفاده از آنند. مشاوران تازه کار زمانی می توانند از این فن استفاده کنند که از نزدیک زیر نظر مشاور ارشد و شایسته ای که قادر به قضاوت کردن درباره زمان مناسب به کارگیری آن است، کار کنند. با توجه به آنچه که گفته شد، به اعتقاد ما این فن

می تواند به کودکان بسیاری از جمله کودکان و دانش آموزان فراری کمک کند.

بیشتر مردم، در زندگی روزمره شان، گاهی به سفرهای خیالی می پردازند. آنان به خود اجازه می دهند تا به خیال پردازی پرداخته و یاد باره آنچه در زندگیشان رخ داده یا می توانسته رخ دهد، خیال پردازی کنند. به همین نحو هدایت کودک در یک سفر خیالی به وی اجازه می دهد تا آزادانه در تخیلات خود، منطبق بر نمایشنامه هایی واقعی یا خیالی درباره گذشته، حال و آینده خیال پردازی کند.

کودکان فراری با استفاده از سفر خیالی می توانند به هر جا که دلشان بخواهد بروند بدون اینکه آسیب جدی متوجه آنها شود. در این سفر خیالی کودکان فراری می توانند امیال و آرزوهای برآورده نشده خود را کاملاً تحقق بخشند. بدین ترتیب برای کودکان و دانش آموزانی که دست به فرار می زنند تا در خارج از محل زندگی و تحصیلی خود امنیت را جست و جو کنند، بهتر است که مشاوران آنان را از نظر خیالی در محیطی امن به سفر ذهنی ببرند.

قبل از اینکه کودک به سفر خیالی برده شود یک خلاصه داستان برای او نقل می شود و به او اجازه داده شده تا منطبق بر تصورات و تجارب خود جزئیات قصه را در نظر بگیرد. در نتیجه، ضمن سفر هنگامی که مشاور کودک را در این سفر هدایت می کند، چشم اندازهایی می آفریند، و به کودک اجازه می دهد تا در تخیلات خود مردم، اشیاء و فعالیت ها را خلق کند. در نتیجه کودک این فرصت را می یابد تا در خلوت خود چشم اندازهایی بیافریند که دنیای روانی او را فرافکنی می کنند و در شخصی ترین موضوع ها و تصورهایی که به طور خودانگیخته از درون او برمی خیزد کنکاش نمایند. همچنان که کودک در حال پیمودن سفر است، ممکن است به دلیل فشار خاطرات، هیجانات و تخیلات نسبت به وجود آنها آگاه گردیده و بتواند با کمک مشاور در رویارویی با مشکلات و ناکامی های فایق آید.

اهداف مورد نظر در سفر خیالی:

از سفر خیالی می توان برای کمک به کودک فراری استفاده کرد: زیرا سبب می شود کودک با تجاربی که برای وی بسیار دردناک بوده و با احتمال زیاد واپس رانده شده است، در تماس قرار گیرد. همچنین می توان از آن به عنوان راهی در کمک به احیاء تماس با تجارب خوشایند گذشته استفاده کرد.

کودک با سهیم کردن مشاور در تجاربی که از این سفر دارد، می تواند به خاطراتی که از طریق این سفر زنده شده اند، دست پیدا کند و می تواند بر احساسات هیجانی اش که نمایشی از این



عکس: دارنوش کرد

برخی کودکان فراری در خردسالی از نظر هیجانی دچار محرومیت بوده، طرد یا ترک شده اند

خاطرات است کار کند و با افکار و باورهای مشکل ساز برخورد نماید. سفر خیالی کودک را قادر می سازد تا بارنج های درونی خود در تماس قرار گیرد، رنج هایی که ضمن فرایند مشاوره به آن توجه می شود.

کودک فراری در سفر خیالی می تواند در تخیل خود چیزی را که در گذشته گفته و یا انجام داده تغییر دهد. او می تواند چیزی را بگوید یا کاری را انجام دهد که با توجه به حوادثی که در زندگی وی گذشته، به او احساس کمال یا رضایت می دهد را تجربه کند. از همه مهمتر، سفر خیالی کودک را به نقل داستانش تشویق می کند و به او کمک می کند تا درباره رفتار خود، دیگران و علل احتمالی رخ دادن حوادث در گذشته شناخت پیدا کند. این سفر برای حل مسایل، کنکاش در رفتارها یا اختیارات دیگر، فرصتی دیگر فراهم می سازد.

خلاصه اینکه اهداف مورد نظر در سفر خیالی به قرار زیر است:

- توانا سازی کودک برای نقل قصه زندگی اش
- کمک به کودک برای در تماس قرار گرفتن و کار بر تجارب دردناکی که واپس رانده شده اند

خیلی از کودکان و نوجوانان بدلیل ناکامی های مالی و آرزوهای دست نیافته دست به فرار می زنند یکی از راهبردها برای جلوگیری از فرار آنان می تواند سفر ذهنی به جاهای دیدنی و مورد علاقه آنان و خوردن خوراکی های خوشایند باشد

- کمک به کودک در تجربه مجدد حوادث خوب یا موفقیت آمیز
- کمک به کودک در تجربه خیالی کامل کردن و ارضای نیازها و خواسته ها که همواره با ناکامی رو به رو بوده است
- کمک به کودک در یافتن رفتارهای دیگر یا انتخاب هایی که احتمالاً نتایج موفقیت آمیزتری برای وی به همراه دارند
- کمک به کودک در کسب بینش درباره رفتار خود و دیگران
- کمک به کودک در فهم علل حوادثی که در گذشته رخ داده است
- کمک به کودک برای جلوگیری از فرارهای مکرر از خانه و مدرسه

چگونه کودک را در یک سفر خیالی راهبری کنیم:

سفر خیالی خود را با تشویق کودک به نشستن یا دراز کشیدن آرمیده بر یک مبل بزرگ راحتی آغاز می کنیم. آنگاه به کودک عبارتی شبیه به این می گوئیم: تصور کن که در خیال خود به یک سفر می روی. من با گفتن چند چیز که با آنها رو به رو خواهی شد به تو کمک می کنم. چیزهایی که می گوئیم فقط پیشنهادات من هستند، در نتیجه اگر دلت بخواهد می توانی آنها را نادیده بگیری (استفاده از این تکنیک در کودکان کم توان مرزی که در پایه های بالاتر به تحصیل مشغولند و کودکان و دانش آموزان عادی بیشتر کاربرد دارد).

قبل از شروع کار، لازم است به کودک گفته شود که ضمن سفر هر گاه که مایل باشی می توانی به این سفر خاتمه دهی. باید بگوئیم: اگر این سفر را دوست نداری، آن را ادامه نده، و به من بگو. آیا فکر می کنی بتوانی به این سفر بروی؟ و اگر دلت نمی خواهد این سفر را ترک کنی چه کار می کنی؟ آیا چیزی می گویی؟ فکر می کنی چه چیزی خواهی گفت؟ یا آیا می توانی برای متوقف کردن سفر نشانه ای در نظر بگیری؟ و چه نشانه ای در نظر می گیری؟

هنگام راهنمایی کودک در سفر، لحن صدای خود را آرام کرده و آهسته صحبت می کنیم تا مانع از آرمیدگی و تمرکز وی نشویم. همچنین که کودک را راهبری می کنیم: بین دستور عمل ها فاصله می گذاریم تا کودک تخیل خود را برای پرداختن به جزئیات به کار گیرد و کاملاً سفر خیالی خود را تجربه کند.

حال دو مثال از سفرهای خیالی را در نظر می گیریم. اولین مثال را مخفیگاه من می نامیم و دومین را سفر به خانه ای در کنار ساحل.

مخفیگاه من:

این سفر را چنین آغاز می کنیم: قرار است به یک سفر خیالی بروی اگر بخواهی، می توانی مرا نیز همراه با خود تصور کنی، یا اینکه خودت را به تنهایی تصور کنی، اگر مایل هستی، چشمانت را ببند. آنگاه عبارت های زیر را با در نظر گرفتن فاصله میان آنها، ذکر می کنیم تصور کن که در حال قدم زدن در یک باغ هستی. تو می توانی به درخت بزرگی که در رو به رو است نگاه کنی در بالای درخت طنابی تعبیه شده تو با طناب به بالای درخت می روی در روی درخت جای وسیعی است که تو می توانی در آنجا استراحت کنی. تو از آن بالا می توانی همه جا را ببینی ضمناً از میوه های خوشمزه آن درخت نیز می توانی میل کنی. که آنجا مخفیگاه تو است (بلور منثال، ۱۹۹۰). حالا سفر خیالی خود را ترک کن و خودت را در حال نشستن بر روی مبل راحتی ببین. هر وقت که آماده بودی چشمانت را باز کن و بدون اینکه حرفی بزنی به اطراف این اتاق نگاه کن.

سپس لازم است مشاور به کودک در تکمیل تجربه سفر کمک کند. قبل از پرداختن به این موضوع دومین مثال از سفر خیالی را مطرح می کنیم.

خیلی از کودکان و نوجوانان بدلیل ناکامی های مالی و آرزوهای دست نیافته دست به فرار می زنند یکی از راهبردها برای جلوگیری از فرار آنان می تواند سفر ذهنی به جاهای دیدنی و مورد علاقه آنان و خوردن خوراکی های خوشایند باشد.

سفر به خانه ای در کنار ساحل دریا:

چنین شروع می کنیم: قرار است به یک سفر خیالی بروی اگر مایل باشی می توانی تصور کنی که در این سفر به همراه تو هستم، یا اگر ترجیح می دهی می توانی تصور کنی که خودت به تنهایی به این سفر می روی، اگر ترجیح می دهی که چشمانت را ببندی، ببند.

سپس، به آرامی و نرمی و با در نظر گرفتن مکثی در میان دستور عمل ها با کودک سخن می گوئیم: خود را در حال قدم

هستند استفاده کنند. به امید اینکه در کشورمان هر روز شاهد فرار کودکان و نوجوانان اعم از عادی و استثنایی هرگز نباشیم و پایگاههای امن برای آنان فراهم سازیم.

زیر نویس ها :

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| 1. Truaney | 13. Hartman |
| 2. Fogllman | 14. Venzke |
| 3. Berg | 15. Millan |
| 4. Homer | 16. Legislations |
| 5. Famalaro etal | 17. Ryan etal |
| 6. Feitel etal | 18. Peterson etal |
| 7. Powers | 19. Puig - Antich etal |
| 8. Ecken rode | 20. Ambrosini Colleagues |
| 9. Jaklitsen | 21. Kutcher etal |
| 10. Gap generetion | 22. Gittelman |
| 11. Kendall | 23. Blumenthal |
| 12. Barrios | 24. Rao etal |

منابع:

- آزاد، حسین، (۱۳۶۶) روان شناسی مرضی کودک، انتشارات پاژنگ،
- پور افکاری، نصرت... (۱۳۷۵)، مبانی روانپزشکی کودک، پتر هور، انتشارات معاونت پژوهشی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، چاپ
- برنیانی، مینو، (مترجم، ۱۳۸۲)، راهنمای عملی مشاوره با کودکان، کاترین گلدارد و دیوید گلدارد، انتشارات رشد
- ماهر، فرهاد (مترجم، ۱۳۶۶)، کودک عقب مانده ذهنی، رایسنون، ناسی م. هالبرت. ب. انتشارات آستان قدس رضوی
- مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۶۹)، تشخیص و درمان بیماری های روانی کودکان، تهران، انتشارات آگاه
- نایینیان، محمد، بیابانگرد، اسماعیل، صداسی، محمد ابراهیم (مترجمین، ۱۳۷۹)، راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی، انجمن روان پزشکی آمریکا Dsm4، نشر دانشگاه شاهد،
- Axline (1997) . V Art Therapy. Boston. Hoo. Hton - Mifflin.
- Dryden W (1990) Rational Emo tive Counselling in Action. London. Sage.
- Goodyer (1990) / Life Expreiences Development and ChildHood PsychoPathology / Willey Chichester.
- Schulsinger (1980) / Disow Dersof Child Hood / Personal Pothology.
- Yule / W / (1991) Work with Children Following Disasters in - Herbert M(ed) Clinical Child Pathology Willey / Chied ester.
- Meyer / R / G and Solmond : Allyn and Bacon , Inc.

زدن در یک جاده طولانی خاک تصور کن. در دو سمت جاده درختان بلندی قرار دارند. هوا آفتابی و گرم است. در فاصله ای دور دریا را می بینی. تصور کن همچنان که به خانه کنار دریا نزدیک می شوی، تپه ی زیبای خاکی رازیر پاهایت احساس می کنی از آنجا به سوی دریا می دوی (بلو منتال، رااو و دیگران ۱۹۹۳). آفتاب داغی بر کنار دریایم تابد و تو از کنار دریا بودن احساس خوشی می کنی. آنچه را که می خواهی لمس کنی، لمس کن، و با کسانی که می خواهی حرف بزنی (مکت)، وقتی آماده ترک کنار ساحل بودی، خودت را در حال بیرون آمدن از آنجا تصور کن (مکت)، حالا سفر خیالی خود را پایان بده (مکت) و توجه کن که بر روی میل راحتی نشسته ای، هر وقت که آماده بودی، چشمانت را باز کن و نگاهی به اطراف بینداز (مکت)، حالا مایلیم که از این سفر برایم یک نقاشی بکشی، هر بخشی را که بخوای می توانی بکشی. قبل از تکمیل تجربه سفر، لازم است به کودک فرصت داده شود تا هر قدر که می خواهد بر روی نقاشی خود کار کند.

تکمیل نقاشی و سفر کودک:

هنگامی که کودک نقاشی خود را تمام کرد، مشاور می تواند در تکمیل کردن تصویر با پرسیدن یکی دو سوال درباره نقاشی و سفر به کودک کمک کند. برای مثال:

درباره نقاشی ات چه چیزی می توانی به من بگویی؟

رفتن به این سفر چگونه بود؟

قدم زدن در کنار دریا چگونه بود؟

از بودن در آن خانه (کنار ساحل) چه احساسی داشتی؟

هنگام دویدن از تپه چه احساسی داشتی؟

دلت می خواست همانجا بمانی یا اینکه آنجا را ترک کنی؟

دلت می خواست کار دیگری در این سفر انجام دهی؟

این سفر خاطره اتفاقی را که قبلا برایت رخ داده، زنده می کرد؟

با پرسیدن این سوال ها، احتمالاً از سفر یا بخشی از آن که به

تجربه آمرانه ای از زندگی کودک مربوط است، اطلاعاتی به دست

خواهد آمد. این کار به کودک فرصت می دهد تا بخش های مهمی

از داستان شخصی خود را بیان کند. و از آن برای کمک به رو به رو

شدن با هیجانات رنج آور، افکار مشکل آفرین و مسایل مربوط به

آنها استفاده کند. تا اینکه دست به واکنش های دیگر اعم از فرار

بزنند. حین این فرایند، مشاور می تواند با استفاده از راههای هیجانی

راحت تر کودک را در تعریف کردن دوباره خاطرات تحریف شده

یاری دهد تا بدین ترتیب کودک بتواند با باورهای خود مسایل

اصلی زندگیش را در یابد. مشاورین از این تکنیک می توانند به

نحو احسن در مورد کودکان و دانش آموزانی که قادر به درک آن